

ای حسینی که زداغت درودیوار گریست

هر دل زنده و هر دیده بیدار گریست

انبیاء را همه دل سوخت به مظلومی تو

اولیاء را همگی دیده و دل زار گریست

ای در عزایت آدم و حوا گریسته

یا که ساکنان عالم بالا گریسته

وقتی که حضرت آدم (ع) از بهشت بیرون شد از کاری که کرده بود و از فراق حوا و بهشت، چهل سال گریه کرد، بعد از چهل سال گریه و ناله خداوند توبه آدم را پذیرفت و حضرت جبرئیل (ع) را فرستاد که کلماتی به حضرت آدم (ع) بیاموزد.

حضرت جبرئیل (ع) به او فرمود: ای آدم خداوند رو بحق پنج نور قسم بده

صاحب کتاب درالیمین در تفسیر این آیه مبارکه از قرآن کریم "فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم" (بقره 37) می فرماید:

خلاصه معنی چنان است که آدم (ع) در ساق عرش کلمه چند نگریست، جبرئیل او را بیاموخت که بدان کلمات که اسماء پیغمبر و آل پیغمبر بود پناهنده شود و بدین گونه سخن کند:

قال: "يا حميد بحق محمد، يا عالي بحق علي، يا فاطر بحق فاطمه، يا محسن بحق الحسن و الحسين و منك الاحسان."

خدا را بدین کلمات سوگند داد، چون به نام حسین (ع) رسید آتش از قلبش برانگیخت و اشک از چشمش بریخت. گفت: ای جبرئیل، چه شد که در ذکر پنجم قلب من بشکافت و اشک من جاری شد؟

جبرئیل گفت: این فرزند تو به مصیبتی بزرگ مبتلا شود که همه مصیبت‌ها در نزد او کوچک باشد. گفت ای برادر آن چه مصیبتی است؟

قال يُقْتَلُ عَطْشَانًا غَرِيبًا وَجِدًا فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَلَا مُعِينٌ وَ لَوْ تَرَاهُ يَا آدَمُ وَ هُوَ يَقُولُ وَ أَعطَشَاهُ وَ أَعطَشَاهُ وَ قِيلَ نَاصِرَاهُ حَتَّى يَحُولَ الْعَطْشُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ كَالدُّخَانِ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالسُّيُوفِ وَ شَرِبَ الْحُتُوفِ فَيُدْبِحُ دَبْحَ الشَّاهِ مِنْ قَفَاهُ وَ يَنْهَبُ رَحْلَهُ أَعْدَاؤُهُ وَ تُشْهَرُ رُءُوسُهُمْ هُوَ وَ أَنْصَارُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَ مَعَهُمُ النَّسْوَانُ كَذَلِكَ سَبَقَ فِي عِلْمِ الْوَأَجِدِ الْمَثَانِ:

گفت: کشته می شود در حالی که تشنه باشد و بی کس باشد و تنها و فرید باشد و او را ناصری و معینی نباشد. ای آدم، اگر او را ببینی در حالی که می گوید: "وا عطشاه و اقله ناصراه" تا گاهی که از تشنگی چشمش چنان تاریک می شود که آسمان را نتواند دید و هیچ کس او را جواب نگوید الا با زبان شمشیر و شراب مرگ. پس، او را می کشند چنانکه گوسفند را از قفا سر میبرند، و احوال و اقبال او را دشمنان او به نهب و غارت می برند و سر او و اصحاب او را بر سنان - نیزه‌ها - می کنند و در شهرها می گردانند و اهل بیت او را اسیر می گیرند. و این صورتی است که از پیش به علم خداوند واحد برگزیده است.

چون این سخن به پایان رفت آدم و جبرئیل چون زن بچه مرده گریستند. منبع: ناسخ التواریخ، ج 1، ص 275 - بحارالانوار، 44، 245.

- جادارد عرض کنیم یا نبی الله شما فقط شنیدید چه گذشت بر امام حسین ع، بگوئید چه گذشت بر دل خواهر مظلومه اش زینب سلام الله علیها...

آدم اگر بخشیده شد کار حسین (ع) است

چون عالم و آدم عزادار حسین (ع) است

### نفرین آدم به یزید

وقتی که حضرت آدم (ع) به زمین آمد، حضرت حوا(علیهاالسلام) را ندید، ناراحت شد و به دنبال او رفت و اطراف زمین را گشت که مرورش بکر بلا افتاد،

وقتی که به زمین کر بلا رسید، مریض احوال شد و عقب افتاد و سینه اش تنگ و بی جهت به زمین افتاد، اتفاقاً آنجایی که زمین خورد قتگاه حضرت

سیدالشهدا(ع) بود و از پای حضرت آدم خون آمد. حضرت ناراحت سرش را با آسمان بلند کرد و عرض کرد: ای خدای من مگر چه گناهی از من سرزده که اینجور بلاء

گرفتار شدم، در حالی که تمام زمین را گشتم اینطور بلائی به من نرسید ولی تا پایم را به این سرزمین گذاشتم، به این بلاها گرفتار شدم مگر این زمین چه زمینی است؟!

خطاب رسید: ای آدم هیچ گناهی از تو سر نزده، لیکن اینجا سرزمین کر بلاست سرزمینی است که فرزندان حسین را بدون هیچ گناهی می کشند، و این خونی که از پای تو

جاری شد بخاطر اینستکه با خون حسین موافقت کند و با او هم پیمان گردی. حضرت آدم (ع) عرض کرد: آیا حسین پیغمبر است؟

خطاب رسید: خیر، ولیکن نوه پیغمبر اسلام حضرت محمد(ص) است.

عرض کرد: قاتل و کشنده او کیست؟

فرمود: قاتلش یزید است و او را لعن کن.

حضرت آدم چهار مرتبه او را لعن کرد و چند قدمی که رفت بکوه عرفات رسید و حوا را پیدا کرد.